

تدوین راهبردهای فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار و همه جانبه سواحل دریای مکران

فرشید عریضی، سیدیوسف مولایی

دانشگاه دفاع ملی: پژوهشکده مطالعات راهبردی و امنیت ملی

دانشگاه دفاع ملی: پژوهشکده مطالعات راهبردی و امنیت ملی

چکیده

لزوم توجه و اهتمام به توسعه "پایدار و همه جانبه" در سواحل دریای مکران از مهمترین دغدغه‌های سیاست‌گذاران در سطح راهبردی کشور بشمار می‌رود. یکی از دلایل توسعه نیافتگی منطقه مورد نظر، عقب ماندگی‌های سنواتی و بی توجهی به زیر ساخت‌های فرهنگی و اجتماعی سواحل مکران می‌باشد. بررسی‌های میدانی بیانگر برخورداری منطقه عمومی سواحل مکران از ظرفیت‌های خوبی برای توسعه همه جانبه و پایدار می‌باشد. این توان بالقوه زمانی به فعل تبدیل خواهد شد که زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی توسعه محقق و بصورت نهادینه در منطقه ایفای نقش نمایند. برای دستیابی به این موضوع، تدوین نظام مند راهبردهای موثر و کارآمد می‌تواند راه گشا باشد. مطالعه ابعاد فرهنگی اجتماعی منطقه مورد بحث، تعیین راهبردهای مناسب، اولویت بندی و پیشنهادهای لازم برای چگونگی به اجرا گذاشتن آن‌ها در این مقاله مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: عوامل فرهنگی و اجتماعی، سواحل دریای مکران، توسعه پایدار، توسعه همه جانبه.

۱. مقدمه

توسعه داخلی در هر کشور، به تناسب شرایط اقلیمی، جغرافیایی و انسانی از تعریف خاصی برخوردار می‌باشد. به همین جهت تبیین و تعیین شاخصه‌های دست‌یابی به توسعه‌ای متوازن و پایدار از اهم وظایف دولت‌ها و حکومت‌ها بشمار می‌رود. آنچه که بعنوان فصل مشترک ادبیات توسعه مطرح بوده و در اکثر کشورهای دنیا به زبان مشترک تبدیل شده است، نگاه ساختاری به توسعه می‌باشد. به عبارت روشن‌تر توسعه امری تک بعدی نیست؛ توسعه در شرایطی محقق خواهد شد که ابتدا ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بعنوان زیر بنای امر توسعه مورد توجه قرار گرفته و سپس اهداف قابل دسترس و ملموس احصا و برای وصول آن‌ها فعالیت‌ها شکل دهی می‌شوند. تبیین وضع موجود و تعیین زاویه انحراف آن با نیاز منطقه برای توسعه و تخصیص منابع به هر یک از بخش‌ها، تا دستیابی به توسعه متوازن و همه جانبه، باید مورد توجه قرار گیرد. نیروی انسانی بعنوان محور و تثبیت کننده توسعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد که مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی این مهم را رقم می‌زند.

۲. بیان مسئله، اهمیت و ضرورت تحقیق

منابع و فرصت‌های بی شماری در منطقه عمومی مکران به دلیل کم توجهی به توسعه فرهنگی و اجتماعی از دست می‌رود. فقر محرز در این حوزه‌ها، سرمایه‌گذاری برای توسعه اقتصادی و دفاعی را نیز تحت تاثیر قرار داده، حرکت آن‌ها را کند و بعضاً کم اثر می‌نماید. برای نمونه، به دلیل فقدان زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی دریانوردی (در عمق دریاهای آزاد)، با وجود خرید و یا ساخت کشتی‌های ماهی‌گیری بزرگ، مردم منطقه استقبال مناسبی از این سرمایه‌گذاری نمی‌کنند، چنانچه تعداد بسیار زیادی از کارگران کشتی‌ها از تبعه پاکستان، اندونزیایی و... می‌باشند که بصورت قاچاق با ملوانان ایرانی همکاری می‌کنند.

جایگاه ویژه و اهمیت راهبردی، ظرفیت‌های اقتصادی و مقدرات اجتماعی و فرهنگی، نقش تأثیر گذار در معادلات امنیتی و دفاعی سواحل مکران از یک طرف و عدم توانایی سازماندهی این عوامل در راستای توسعه پایدار و طرح‌های دفاعی از طرف دیگر، بعنوان مسئله مهم هنوز هم یکی از دغدغه‌های مسئولین نظام است.

بررسی شاخص‌های مختلف آماری کشور بیانگر اهمیت و تفاوت‌های آشکار این منطقه با دیگر مناطق کشورمان است و اگر نگاه دقیقی به سطوح پایین شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی منطقه داشته باشیم، در خواهیم یافت که تأثیر این عوامل در بروز تهدیدات داخلی و خارجی نقش تعیین کننده‌ای را بر عهده دارد.

۱.۲. هدف تحقیق

تدوین راهبردهای فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار و همه جانبه سواحل دریای مکران

۲.۲. سوال تحقیق

راهبردهای فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار و همه جانبه سواحل دریای مکران کدامند؟

۳.۲. نوع و روش تحقیق

نوع تحقیق کاربردی و روش تحقیق توصیفی و میدانی می‌باشد.

۳. ادبیات نظری تحقیق

۱.۳. توسعه پایدار و همه جانبه

یکی از موضوعات بسیار مهم در حوزه علوم انسانی و اجتماعی در قرن بیستم، موضوع توسعه^۱ است. توسعه را می توان رشد کمی و کیفی در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، سیاسی و فرهنگی دانست. توسعه مقوله ای است چند بعدی و نه یک بعدی و ثانیاً هر کشور با توجه به شرایط خاص و ویژه (جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی) خود، مسیر و شیوه های توسعه را شناسایی و دنبال می نماید. کشورهای توسعه نیافته به دلیل هزینه و توانی که در قالب راهبردها و برنامه های توسعه ای متحمل شده اند، الگوهای جدیدتری مثل توسعه پایدار^۲ را مطرح نمودند. (شعبانپور، ۱۳۸۶، ۵۴). توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است.

توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای اساسی خواسته های افراد و گروههای اجتماعی در داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده است و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می یابد. توسعه چیزی بیش از نوسازی و رشد اقتصادی است و گذشته از بهبود سطح مادی زندگی، عدالت اجتماعی، آزادی های سیاسی و بزرگداشت ارزش ها و سنت های بومی را نیز در بر می گیرد.

همچنین توسعه به فراگردی گفته می شود که در آن جامعه از وضعی نامطلوب به وضعی مطلوب متحول می شود. این فراگرد، تمامی نهادهای جامعه را در بر می گیرد و ماهیت آن اساساً این است که توان ظرفیت بالقوه جامعه به صورت بالفعل درآید. به عبارت دیگر، در فرایند توسعه استعداد های سازمان دهی جامعه از هر جهت چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بارور و شکوفا می شود. (اسدی، ۱۳۶۹، ۸۹)

در دنیای کنونی مفهوم توسعه همه جانبه با انجام آنچه در نیم قرن گذشته بیان شده بود تفاوت های محسوسی دارد. مفهوم توسعه فقط از دریچه محدود اقتصادی قابل تبیین نیست؛ بلکه فرهنگ، اطلاعات و نوسازی جامعه در آن جایگاهی محوری دارد و منظور از توسعه گسترش توانایی ها، ظرفیت فکری، کیفیت دانش و مهارت های فنی، خلاقیت و نوآوری، توانایی انسان ها برای حل مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و بهره مندی از منابع، دستاوردها و امکانات جامعه و به طور کلی بهبود شرایط زندگی مادی و معنوی برای همگان است. (دژپسند، ۱۳۸۰)

مایکل تودارو در کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم در بیان معنای توسعه سه پرسش اساسی مطرح می کند که پاسخ به آن ها می تواند میزان توسعه یک کشور را مشخص می کند. این پرسش ها را می توان به عنوان شاخص های توسعه یک کشور در سنجش رخدادهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار آورد و نوع پاسخ به آن ها بهره مندی کشورها را از توسعه نشان می دهد. این پرسش ها عبارتند از:

(۱) آیا سطوح عمومی زندگی در یک کشور به اندازه گسترش یافته است که فقر مطلق، درجه نابرابری، توزیع درآمدها، سطح اشتغال و ماهیت و کیفیت خدمات آموزشی، بهداشتی و سایر خدمات اجتماعی و فرهنگی بهبود یافته باشد؟

(۲) آیا پیشرفت اقتصادی، احترام و اعتبار شخصی و گروهی را، هم در ارتباط با سایر افراد (داخلی - ملی) و هم در ارتباط با سایر کشورها و مناطق (خارجی - بین المللی)، افزایش داده است؟

(۳) بالاخره، آیا پیشرفت اقتصادی دامنه انتخاب بشر را گسترش داده است و یا افراد را از وابستگی خارجی و قیود داخلی نسبت به سایر انسان ها و نهادها آزاد کرده است یا صرفاً اینکه صرفاً یک نوع وابستگی (مثلاً اقتصادی) جانشین نوع دیگری از وابستگی (مثلاً فرهنگی) شده است. (تودارو، ۱۳۶۴، ۴۷)

مفهوم توسعه پایدار از دهه ۱۹۸۰م مطرح شد و هدف آن گذشته از رشد اقتصادی و کارائی آن در تحقق اهداف اجتماعی، کاهش فقر و مدیریت منابع طبیعی پایدار است. مفهوم توسعه پایدار تاکنون به روشهای گوناگون در قالب مفاهیم متنوعی استفاده شده است، اما محوری ترین ایده، مربوط به کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست بوده که در سال ۱۹۸۷ تبیین شده است. بر اساس این تعریف، توسعه ای پایدار است که بتواند «احتیاجات نسل حاضر را بدون فدا کردن توانایی نسل های آینده برای برآورده سازی نیازمندی هایشان تأمین کند» (World Commission on Environment and Development, 1987, 134)

از آن هنگام این بیان موجز و پر محتوا به طور گسترده از سوی دولت ها، نهادهای بین المللی، سازمان ها و شرکتهای تجاری، مؤسسات علمی و دانشگاهی و گروههای غیر دولتی پذیرفته و به کار گرفته شده است. براین اساس به موازات آن که ارتباط میان رشد اقتصادی و ابعاد اجتماعی و زیست محیطی توسعه بهتر درک می شود، متخصصان و اقتصاددانان بر این مهم همنوا می شوند که توجه یک جانبه به رشد اقتصادی، به نحو اجتناب ناپذیری توسعه را ناپایدار می سازد. یعنی نمی تواند برای مدت طولانی به همین سیاق ادامه یابد. (بلیس و کن بوث، ۱۳۷۳)

توسعه پایدار توسعه ای درون زا و نظام مند و متعادل است که بینش سیستمی را در همه رشته ها مطرح می سازد. توسعه پایدار در پی فقر زدایی، ایجاد تعادل میان کشورهای جهان و گونه ای همزیستی مسالمت آمیز است و بر صلح و استفاده بهتر از منابع و بویژه منابع تجدید شونده تأکید دارد.

¹Development

²Sustainable Development

بنابراین توسعه فرهنگی نیز بستری مناسب در توسعه پایدار دنبال می کند. توسعه پایدار حالت تکاملی برنامه های توسعه است که با دیدی کل نگر و نیز با تأکید بر بینش سیستمی سعی دارد رهیافتی تعادل بخش را دنبال کند. (شعبانپور، ۱۳۸۶، ۶۰ و ۵۹)

همچنین در تعریف توسعه پایدار آمده است: توسعه پایدار توسعه ای است که بتواند نیازهای نسل حاضر را بدون آسیب رساندن به برآورده ساختن نیازهای نسل های آینده و سازگار با منافع آن ها برآورده سازد. (همان، ۶۶)

توسعه پایدار در مفهوم گسترده آن به معنی اداره و بهره برداری صحیح و کارا از منابع پایه طبیعی، مالی و نیروی انسانی برای دستیابی به الگوی مصرف مطلوب است که با به کارگیری امکانات فنی و ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل امروز و آینده به طور مستمر و رضایت بخش امکان پذیر می شود. (همان، ۷۳)

عناصر مشترک در تعاریف فوق عبارتند از: فقرزدایی، استفاده بهتر از منابع، بهبود کیفیت زندگی، بهره برداری صحیح از منابع طبیعی و نیروی انسانی، نگهداری منابع برای حال و آینده، آسیب رساندن حداقل به منابع تجدید ناشدن، ارائه راه حل هایی در برابر الگوهای سنتی کالبدی، اجتماعی و اقتصادی توسعه و... است. (همان، ۸۹)

یکی از مهمترین پیش شرط های تحقق توسعه پایدار در همه جوامع، شرایط فرهنگی آن جامعه است. توسعه پایدار در بلند مدت نیازمند دگرگونی های نظام مند فرهنگی است که زمینه ساز دموکراسی و سرمایه اجتماعی به مفهوم پدید آمدن و افزایش حس اعتماد و همیاری میان مردمان باشد. ابزارهای اصلی توسعه پایدار عبارتند از: ترویج آموزش و آگاه سازی، اشاعه دانش، مهارت ها و معرفت سنتی، ایجاد تغییر در رفتارها و ارزش ها. اهداف توسعه پایدار را معمولاً در سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی دسته بندی و شاخص هایی را برای اندازه گیری توسعه یافتگی در این جنبه ها تعریف می کنند. حوزه اجتماعی، شاخص هایی را مورد توجه قرار می دهد که در ارتباط مستقیم با انسان است و به عنوان تسهیل گر یا بازدارنده فرایند ارتقای کیفیت زندگی مردم در جوامع عمل می کند. حوزه اقتصادی ناظر بر چگونگی توزیع و استفاده از منابع محدود مورد نیاز برای ارتقای زندگی مردم است و بالاخره حوزه زیست محیطی مربوط به منابع طبیعی زایش پذیر و زایش ناپذیری است که فضای عمل و زندگی انسان را تشکیل می دهد. اهداف اجتماعی، مسائلی نظیر اشتغال کامل، آموزش، بهداشت، امنیت، مشارکت و... را دربر می گیرد. در حوزه اهداف اقتصادی، رشد، کارایی، ثبات و... مهم تلقی می شود و محیط زیست سالم، استفاده منطقی از منابع طبیعی و محافظت از آن ها در حوزه اهداف زیست محیطی می گنجد.

در تعریف توسعه پایدار در حقیقت ایجاد تعادل میان توسعه و محیط زیست مطرح است. پایداری می تواند چهار جنبه داشته باشد: پایداری در منابع طبیعی، پایداری سیاسی، پایداری اجتماعی و پایداری اقتصادی. در حقیقت توسعه پایدار تنها بر جنبه زیست محیطی اتفاقی تمرکز ندارد بلکه به جنبه های اجتماعی و اقتصادی آن هم توجه می کند. توسعه پایدار محل تلاقی جامعه، اقتصاد و محیط زیست است.

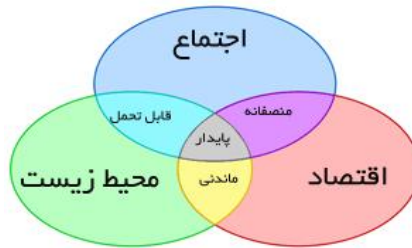
هرچند این روزها بسیاری از دولت مردان و فعالان زیست محیطی به دنبال رسیدن به توسعه پایدار هستند، اما برخی فعالان زیست محیطی این گزینه را برای حفظ محیط زیست کافی نمی دانند. آن ها معتقدند با توجه به روند استفاده از منابع تمام شونده و از بین بردن منابع در جهان واژه "توسعه پایدار" مناسب نیست و باید از لفظ جایگزینی چون "پایداری توسعه" استفاده کرد تا این مفهوم در ذهن تداعی نشود که قرار است منابع جدیدی تولید شود.

دو مفهوم اساسی مولفه های "اجتماعی و فرهنگی" و در سطح بالاتری "امنیت اجتماعی و امنیت فرهنگی" در توسعه پایدار نقش کلیدی دارند. (دژسند ۱۳۸۰)

امنیت اجتماعی در هر جامعه ای به مفهوم وجود شرایطی است که در آن آرامش خاطر و امنیت جامعه نسبت به سلامت جسم، جان، روح، مال، معیشت، حیثیت، آموزش، مسکن و تمامی ارزش های مادی و معنوی همه افراد و گروه های اجتماعی، به طور نسبی در چهارچوب قوانین کشور در برابر تهدیدها تأمین شود. امنیت اجتماعی هم با توسعه انسانی رابطه مستقیم دارد. رسیدن به زندگی بهتر و ایجاد فضای اجتماعی مناسبی که در آن انتخاب های انسانی مشروع گسترش یابد، در زمره اهداف اصلی توسعه انسانی هستند. سه نماگر طول عمر بر اساس امید به زندگی در بدو تولد سطح زندگی افراد جامعه بر اساس قدرت خرید و درآمد سرانه واقعی، نرخ با سواد بزرگسالان و نرخ ترکیبی ثبت نام دانش آموزان و دانشجویان در تمامی مقاطع تحصیلی، در زمره شاخص های اصلی توسعه انسانی در هر جامعه ای به شمار می روند. بنابراین لازمه ی رسیدن به توسعه ی انسانی کاهش فقر انسانی، افزایش درآمد سرانه ی واقعی و انجام هزینه های اجتماعی در تمامی ابعاد مورد نیاز برای ارتقاء سطح زندگی مادی و معنوی افراد جامعه به ویژه در زمینه های آموزش، بهداشت و درمان می باشد.

امنیت فرهنگی یکی از مهمترین ابعاد امنیت ملی و به مفهوم آن است که از یک سو فرهنگ جامعه از مؤلفه های عقلایی، واقع بینانه، سازنده، عادلانه، پویا و منطبق با معیارهای مطلوب علمی شکل گرفته باشد و از سوی دیگر فرهنگ و تولیدات فرهنگی جامعه نیز ضمن در امان بودن از خطر تهدیدها، از روند رشد فزاینده ای برخوردار باشند. (درویشی ۱۳۷۶)

فرهنگ پایه و اساس زندگی جوامع است، زیرا بیشتر رفتار و کردار انسان ها از باورهایشان سرچشمه می گیرد. به گونه ای که می توان گفت حدود نود درصد کنش ها و واکنش های رفتاری، معمولاً بدون استدلال و بر اساس فرهنگ صورت می گیرند. تنها در حدود ۱۰٪ از رفتارها نیاز به تدبیر و



شکل (۱): ایجاد تعادل میان محیط زیست، اجتماع و اقتصاد

استدلال دارند که آن‌ها نیز از باورها متأثر هستند و در چهار چوب فرهنگ شکل می‌گیرند. قدرت‌های استعماری در طول تاریخ، همواره در صد آن بوده و هستند تا با نفوذ در روحیات، خلقیات، احساسات، عقاید و باورهای توده‌های مردم در کشورهای عقب‌نگه داشته شده، همزیستی مسالمت آمیز خرده‌هویت‌های فرهنگی را در درون آن‌ها به مخاطره اندازند، نقش آفرینی رفتارها و عملکردهای مردم و حکومت‌های این قبیل جوامع را در جهت منافع و اهداف مورد نظر خود سوق دهند و تاکنون در مقیاسی وسیع نیز به اهداف شوم خود در عرصه‌های بین‌المللی نائل شده‌اند.

نکته‌ی مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد آن است کشورهای توسعه یافته و قدرت‌های استعماری، همیشه با حربه‌ی مقابله با فرهنگ جوامع جهان سوم و تهاجم فرهنگی، علیه آن‌ها وارد عمل نمی‌شوند، بلکه در بسیاری از موارد مهره‌های هم‌تاسازی و تربیت شده توسط قدرت‌های استعماری، به گونه‌ای ریاکارانه و به نام دفاع از ارزش‌ها و باورهای مردم در جوامع جهان سوم پا به عرصه می‌گذارند و با نفوذ در مراکز حساس تصمیم‌گیری و نهادهای حکومتی زمینه را برای عملی ساختن نیت خود در جهت اهداف قدرت‌های بزرگ فراهم می‌سازند.

۲.۳. فرهنگ^۲

فرهنگ، همان‌طور که ریموند ویلیامز^۴ در بررسی پر اهمیت خود در باره‌ی کلید واژه‌های رایج فرهنگی (۱۹۸۵ م) یادآوری کرده است، یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین واژه‌های زبان انگلیسی است. در مفهوم وسیع‌تر اتحادیه‌ی اروپایی، قابل توجه است که پس از افزودن «فرهنگ» در پیمان رم به عنوان عرصه‌ی مجاز عملیات (ماستریخت، ماده ۱۲۸)، هنوز هیچ توافق آشکاری بین نهادهای مختلف و از آن کمتر بین دولت‌های عضو مورد مرزها و تعاریف انجام نگرفته است. (گوردن و سایمون ماندی، ۲۰۰۹، ۲۴)

فرهنگ و ارزش‌های مشترک از عوامل پایدار قوام هر کشوری است. امروزه اکثر نظام‌های سیاسی در کنار سایر عوامل، گسترش و حفظ ارزش‌های دلخواه خود را جزء اهداف و منافع ملی به حساب می‌آورند. با چنین برداشتی، عواملی که منجر به تضعیف یا نابودی این ارزش‌ها و فرهنگ مشترک شوند، باید جزء تهدیدات فرهنگی و اجتماعی امنیت ملی تلقی شوند. فرهنگ و مسائل اجتماعی زمانی برای مردم اهمیت بیشتری می‌یابد که شیوه زندگی و هویتشان از سوی روندهای اقتصادی، سیاسی یا نظامی که از اختیار ایشان بیرون است (یا گمان می‌کنند که از اختیارشان بیرون است) به مخاطره افتاده است. بنابراین سیاست فرهنگی زمانی حایز اهمیت بیشتر است و در دولت‌شأن بالاتری دارد که کشور کوچک‌تر از آن باشد که قدرت اقتصادی یا نظامی عمده‌ای به شمار رود یا آن که نیروی حاکم، خود را رویاروی نیروهای جدیدی بیابد که در صدد تضعیف موقعیت تاریخی هستند. (همان، ۶۴ و ۶۵)

بنابراین کشورهایی که پس از قرن‌ها سلطه‌ی خارجی تازه به عنوان کشوری مستقل سر بلند کرده‌اند و هیچ‌گونه منبع مهمی اقتصادی، سیاسی و ... در اختیار ندارند، به ناگزیر فرهنگ خود را همچون ابزاری برای نیل به موجودیتی متمایز به کار می‌گیرند و هرگونه تهدید به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی - اجتماعی آنان، می‌تواند بازتاب‌های امنیتی را در بر داشته باشد. که این بازتابها در طیف تهدیدات فرهنگی - اجتماعی، قرار می‌گیرند. (همان، ۶۶ با دخل و تصرف)

ارائه الگویی واحد از سیاست فرهنگی به دولت‌ها نه امکان‌پذیر است و نه سودمند. شاید به این خاطر که هر کشوری فرهنگ خویش را ابزار تشخیص خود نیز می‌داند، هیچ‌کس مایل نیست که دقیقاً شبیه همسایه‌اش باشد و حتی اگر چنین حاضر به اذعان آن نیست. (همان، ۶۷)

زبان نیز به عنوان یک عامل پیوند دهنده جامعه و جزئی از فرهنگ محسوب می‌گردد. بسیاری از زبان‌ها تحت تأثیر عواملی چون بی‌اعتنایی استعمارگران، نیاز به مسافرت برای یافتن کار، مهاجرت‌های گسترده و جا به جایی اقوام و گاه فقط به علت فقدان توجه از میان رفته‌اند. بعضی زبان‌ها به دست آخرین نسلی که به روانی بدان تکلم می‌کردند بر افتادند، زیرا والدین با مشاهده این که در دنیای جدید فقط دانستن زبان‌های عمده قدرت‌های استعماری تأمین‌کننده نیاز و امنیت است، از آموختن زبان پیشینیان به فرزندانشان خودداری کردند. قدرت‌های استعماری آخرین

³ Culture

⁴ Raymond Williams

ریشه‌های این زبان‌ها را در کودکان سوزانده اند. بنابراین دیگر اثری از آن‌ها باقی نمانده است و امروزه به عنوان یکی از مآلفه‌های امنیتی فرهنگی- اجتماعی مورد توجه صاحب نظران است. (همان ، ۷۱ با دخل و تصرف)

از سوی دیگر جهانی شدن و تحولات فناوری و سیاسی نیم قرن اخیر، جهان را وارد عصر جدیدی کرده است که ویژگی برجسته آن کاهش سریع فاصله‌های زمانی و مکانی، ادغام فزاینده نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جهان و رشد خیره کننده تولید و مصرف است. روند جهانی شدن می رود تا نقشه جغرافیای اقتصادی و حتی سیاسی جهان را دگرگون کند. و امروزه یکی از دغدغه‌های صاحب نظران سیاسی- اجتماعی، تهدیدات متصور از این شرایط است که کشورهای بدون پشتوانه‌های اقتصادی و فرهنگی را دچار بحران می نماید. البته این ادعا که روند جهانی شدن تقسیم بندیهای جغرافیایی و نقش دولت- ملت‌ها را بی معنی و منتفی ساخته است اغراق آمیز است. و لیکن، روند جهانی شدن دارای تأثیرات عمیق و گسترده ای روی ماهیت و عملکرد دولت‌های ملی بوده و خواهد بود که از اهمیت قابل توجهی در حوزه تهدید شناسی و ادراک آن، برخوردار می باشد.

نظریه ای که اکنون در باب جهانی شدن و فرهنگ در جهان بخصوص در اروپا حاکم است، این است که فرهنگی که در جهانی شدن فراگیر خواهد شد فرهنگ غرب و اروپا خواهد بود که بر این اساس تمامی مردم جهان دارای یک فرهنگ، یک زبان، یک نوع سلیقه در مورد لباس و غذا خواهند بود. جریان‌های فرهنگی که از کشورهای مختلف صادر می شوند زمانی که بعنوان فرهنگ غالب قرار گیرند، فرهنگ‌های مغلوب را شدیداً تحت تأثیر قرار می دهند و تمامی مراکز این کشورها اعم از مراکز اقتصادی، نظامی و سیاسی و از همه مهم تر مراکز فرهنگی آن کشورها تحت تأثیر شدید قرار می گیرند. از این بابت است که اندیشمندان از جهت جهانی شدن نگران هستند زیرا باعث تقویت قدرت برخی کشورها می شود و تهاجم فرهنگی را بطور گسترده ای به دنبال دارد که این عمل باعث از بین رفتن هویت‌های ملی و سست شدن زمینه دینی در افراد خواهد شد.

در مجموع مسائل متعددی نظیر اعتیاد، رسوخ فرهنگ بیگانه، تغییرات سریع و بی برنامه جمعیتی، ضعف فرهنگ خودی و چالش با مسائل مستحده، مهاجرت‌های دسته جمعی اجتماعی، حاکمیت روحیه قوام گرایی شدید، برخوردار شدن از دو عامل فرا گیری و تداوم ، می توانند امنیت ملی هر کشوری را در معرض خطر قرار دهند. (استیون ۱۳۷۰)

۴. وضعیت اجتماعی و فرهنگی منطقه

۱.۴. استان هرمزگان

جغرافیای تاریخی استان هرمزگان با تاریخ و جغرافیای خلیج فارس در هم آمیخته است. تا قرن چهارم پیش از میلاد، مدارک پراکنده‌ای بر پایه نوشتارهای تاریخ نگاری یونانی در باره خلیج فارس وجود دارد. ظاهراً در دوران بسیار کهن ، اقوامی در سواحل غربی خلیج فارس و دشت‌های جنوبی و غربی ایران می‌زیسته‌اند. شواهدی نیز مبنی بر پیدایش و توسعه دریانوردی در آن دوران وجود دارد. از جمله می‌توان به دریانوردی بابلیان در قرن هفتم پیش از میلاد، در خلیج فارس اشاره کرد.

تاریخ مکتوب بندر هرمز از زمان اردشیر بابکان آغاز می‌شود. مورخین شرقی و اروپایی چنین گفته‌اند که روزگار آبادانی بندر هرمز بین سال‌های دو بیست و چهل و یک الی دو بیست و یازده میلادی بوده؛ ولی پس از ظهور اسلام و سقوط دولت ساسانی، به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز داد و ستد شرق معروفیت پیدا کرده است. در سال‌های هفتصد و پنجاه الی ششصد و شصت و یک میلادی، منطقه خلیج فارس جزو قلمرو خلافت اموی و سپس جزو قلمرو خلافت عباسی (در سال‌های هزار و دو بیست و هشتاد و پنج الی هفتصد و پنجاه میلادی) بوده است. از اواخر قرن هشتم میلادی که دوران شکوفایی خلافت عباسی بود، داد و ستدهای دریایی رونق بسزایی یافت. بسیاری از مورخین، این راه دریایی را با اهمیت تر از جاده معروف ابریشم یا شاخه مهمی از آن می‌دانند.

در سال هزار و سیصد میلادی سیف‌الدین- پادشاه بومی بندر هرمز- از ترس حمله مغول‌ها، بندر هرمز را ترک و به جزیره هرمز (جردم) عزیمت کرد و در آنجا شهر دیگری بنا نهاد. در سال هزار و چهار صد و پنجاه و سه میلادی هنگامی که قسطنطنیه به دست سلطان محمد فاتح سقوط کرد، ارتباط زمینی اروپاییان با آسیا گسسته شد. در سال هزار و چهارصد و نود و هفت میلادی، برای اولین بار استعمارگران غربی به فرمانروایی «واسکو دوگاما» در بنادر خلیج فارس پیاده شدند. در سال هزار و پانصد و شش میلادی پرتغالی‌ها به عنوان محافظت از منافع پرتغال در برابر تجار مصری و ونیزی، به رهبری «آلفونسو آلبوکرک» با هفت کشتی جنگی جزیره هرمز را محاصره نمودند. بندر هرمز در این زمان ، کلید تجاری خلیج فارس محسوب می‌شد و راوادویه از کنار همین بندر در تنگه هرمز عبور می‌کرد. سقوط هرمز که از نظر تجاری و نظامی برای دولت ایران اهمیت داشت، به جدا شدن هرمز از ایران و تسلط پرتغالی‌ها بر تنگه هرمز و وضع مالیات برای عبور کشتی‌ها گردید. شاه اسماعیل صفوی که در صدد اعاده مالکیت ایران بر هرمز بود به سبب گرفتاری‌های ناشی از جنگ با عثمانیان، به بیرون‌راندن پرتغالی‌ها موفق نشد و پیمانی با آنان منعقد نمود که به موجب آن پرتغالی‌ها می‌بایست در لشکرکشی به بحرین، شاه اسماعیل را مساعدت می‌کردند. با این پیمان تسلط پرتغالی‌ها بر خلیج فارس تا مدتی تثبیت شد؛ ولی شاه‌عباس بزرگ با کمک قوای انگلیس ، حاکمیت پرتغالی‌ها بر خلیج فارس را پایان داد. با تشکیل و رسمیت یافتن کمپانی هند شرقی، دولت انگلیس سیاست گسترده استعماری خود را علیه ایران به کار گرفت و در اندک مدتی بر سراسر سواحل خلیج فارس تسلط یافت. دولت انگلیس و عمال کمپانی هند شرقی با نیرنگ، از اتحاد قدرت‌های محلی جلوگیری کردند و با ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای، موجبات ضعف آن‌ها را فراهم آوردند.

در این دوره، سیاست انگلیس در خلیج فارس ایجاد شیخ نشین‌های متعدد و کوچک بود تا از اتحاد آن‌ها در مقابل خود جلوگیری کند. خلیج فارس بعد از جنگ جهانی اول، نه تنها به عنوان یک معبر دریایی تجاری بسیار مهم، بلکه به عنوان بزرگترین کانون نفت و منبع مهم رشد صنایع، اهمیت اقتصادی و استراتژیکی فراوانی یافت؛ به طوری که کلیه طرف‌های تجاری خارجی ایران به ویژه انگلیس با جدیت تمام تلاش کردند حضور فیزیکی خود را در خلیج فارس حفظ کنند. (سایت استانداری هرمزگان، ۲۴ مهر ۱۳۹۱)

بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، جمعیت استان هرمزگان بالغ بر ۱۴۰۳۶۷۴ نفر می‌باشد که تقریباً ۲ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهد. دین اکثریت مردم استان هرمزگان اسلام است و ۸۵ درصد پیرو مذهب تشیع و ۱۵ درصد پیرو اهل تسنن و ۵ درصد نیز پیرو مذاهب دیگر می‌باشند.

وضعیت با سواد جمعیت شش ساله و بالاتر استان هرمزگان در سال ۱۳۷۵، ۶۴۶۷۲۱ نفر بوده که از این تعداد ۷۲/۷۸ درصد با سواد و مابقی بی سواد بوده است. نرخ با سواد برای مردان و زنان در مناطق شهری به ترتیب ۸۷/۹ و ۸۰/۶ درصد می‌باشد. این شاخص در مناطق روستایی معادل ۷۱/۴ و ۵۶/۷ درصد به ترتیب برای مردان و زنان محاسبه شده است.

بهبود شاخص مرگ و میر کودکان زیر یکسال و کودکان زیر پنج سال در سال ۱۳۸۵ به ترتیب به میزان ۱۲ درصد و ۱۵ درصد نسبت به سال ۱۳۸۳، از یک سو نوید بخش افزایش امید به زندگی و افزایش سطح بهداشت جامعه و خانواده‌ها و از سوی دیگر نماد عملکرد موفق مدیریت بخش و مدیریت اجرایی استان هرمزگان در مهار تهدیدات و تنگناهای بهداشتی و درمانی استان می‌باشد.

۲.۴. استان سیتان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان با وسعت ۱۸۷۵۰۲ کیلومتر مربع، که ۸۱۱۷ کیلومتر مربع آن مربوط به سیستان و ۱۷۹۳۸۹ کیلومتر مربع آن متعلق به بلوچستان می‌باشد، ۱۱ درصد از کل مساحت کشور را شامل می‌شود و یکی از کم تراکم ترین استان‌های کشور از نظر جمعیت بوده است. بیشترین مساحت این استان به منطقه بلوچستان اختصاص دارد و مرکز آن شهرستان زاهدان می‌باشد.

جمعیت استان سیستان و بلوچستان در دهه ۶۵-۱۳۵۵ با نرخ رشد متوسط سالیانه معادل ۶/۰۶ درصد یکی از سریعترین نرخهای رشد در دهه مذکور در بین استان‌های کشور بوده است. علت آن را می‌توان متفاوت بودن ویژگی‌های قومی و فرهنگی مردم این سرزمین با سایر استان‌های کشور عنوان نمود.

جمعیت استان با نرخ رشد متوسط سالیانه ۳/۷ درصد از رقم ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۱۳۶۵ به رقم ۱/۷۲۲/۵۷۹ نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است که این رقم ۲/۸ درصد جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده و معادل ۶/۶ نفر در هر کیلومتر مربع را نشان داده که در سال ۱۳۷۵ تراکم جمعیتی استان به ۹/۱ نفر در هر کیلومتر مربع رسیده است. این مسئله استان را در زمره کم تراکم ترین استان‌های کشور جای داده و در سال ۱۳۸۲ به رقم ۱۱/۹ نفر در هر کیلومتر مربع ارتقاء یافته است. البته با توجه به نرخ متوسط رشد ده ساله جمعیت طی سالهای (۶۵ تا ۷۵) در سطح ملی که میانگین کشوری را نشان می‌دهد در مقایسه با مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان معادل ۱/۸ درصد از میانگین کشوری بیشتر بوده و همچنین در مناطق روستایی این نرخ معادل ۲/۴ درصد از نرم کشوری بیشتر بوده است. بر اساس آمار ۱۳۸۲ جمعیت کل استان برابر ۰۰۰/۲/۲۱۹/ نفر می‌باشد که جمعیت شهرنشین ۴۸/۳ درصد آن را تشکیل می‌دهد. این موضوع با توجه به نرم‌های کشوری که بطور متوسط جمعیت شهرنشین در کشور را ۶۴/۸ درصد نشان می‌دهد رقم بسیار پایینی می‌باشد.

جمعیت استان از ۱۷۲۲۵۷۹ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۲۴۰۵۷۴۲ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۴۹/۶۰ درصد جمعیت استان در مناطق شهری زندگی می‌کرده‌اند. بررسی گروه‌های عمده سنی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ حدود ۴۰/۱۷ درصد از جمعیت استان در گروه عمده سنی ۱۴-۰ ساله، ۵۶/۱۳ درصد در گروه سنی ۶۴-۱۵ ساله و ۳/۷ درصد در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر قرار داشته‌اند. نسبت جنسی استان در سال ۱۳۸۵ برابر با ۱۰۳ زن در مقابل ۱۰۰ مرد بوده است. (آمار جمعیتی استان س و ب: ۲۲) فعالیت‌های عمده مردم منطقه، کشاورزی و دامداری است ولی بعلا مشکلات طبیعی، ضعف تکنیک و سرمایه از یک سو و افزایش شتابان جمعیت منطقه از سوی دیگر موجب شده تا بسیاری از روستائیان از تأمین مایحتاج اولیه خود بازمانده و به سوی مراکز شهری مهاجرت نمایند یا به سمت قاچاق مواد مخدر روی آورند و گروهی نیز به دنبال فرصت‌های شغلی راهی شیخ نشین‌های خلیج شوند. پائین بودن سطح سواد و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، عدم استفاده از افراد کاری و عدم توجه دولت‌ها در گذشته از عوامل مهم عقب ماندگی این استان است.

پوشش تحصیلی در مقطع ابتدایی ۶۶ درصد بوده و افت تحصیلی در بین دو مقطع تحصیلی در بین دو جنس قابل توجه است. پایین بودن سن ازدواج دختران، از عوامل مهم خارج شدن این گروه از رده محصلان است. در ضمن کمبود معلمان زن در افت تحصیلی دختران با توجه به اعتقادات مذهبی و فرهنگ روستایی استان بسیار موثر است.

فقر روستائیان و سنتی بودن روش‌های کشاورزی، از عوامل مهم کاهش ادامه تحصیل دانش‌آموزان از مقطع ابتدایی به بالا است. افزایش رشد شتابان جمعیت شدیدتر از افزایش شاغلین بوده و تلاش‌های برنامه‌ریزی شده نیز در آن حد نبوده که امکانات شغلی را افزایش داده باشد. هر چه بعد خانوار در شهر و روستا افزایش یافته نسبت کمتری از مسکن راحت برخوردار می‌شوند. مسکن غیر کافی و ناراحت برای

روستانشینان استان بیشتر از مناطق شهری است و کیفیت مسکن زمانی که بعد خانوار افزایش یابد، به شدت سقوط می کند. (ملاحظات جمعیت استان س و ب، ۲۱)

وضعیت فعالیت جوانان استان: بر اساس آمار سال ۱۳۸۲ میزان اشتغال در سطح استان ۸۰/۸ درصد در مقایسه با میانگین کشوری با رقم ۷/۹ درصد کمتر از جایگاه متوسط ملی قرار گرفته و کمترین درصد اشتغال را در سطح کشور این استان به خود اختصاص داده است. همچنین در زمینه بیکاری این استان با ۱۹/۲ درصد نرخ بیکاری با اختلاف ۷/۹ درصد با میانگین متوسط کشوری بالاترین درصد بیکاری را به خود اختصاص داده است.

به دلیل اینکه بخشی از استان سیستان و بلوچستان که محدوده چابهار و کنارک را شامل می شود در سواحل مکران واقع شده است، مطالعات معطوف به منطقه یادشده می باشد.

جمعیت شهرستان چابهار در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۶۳/۹۴۰ نفر بوده که این رقم با رشد ۳/۷ درصدی در سال ۱۳۸۲ به ۲۱۰/۹۷۵ نفر رسیده است. (برآورد اطلاعاتی نداجا، ۳)

بر اساس برآورد انجام شده در سال ۱۳۸۲ جمعیت فعال این شهرستان ۲۴۱۹۲۳ نفر، جمعیت شاغل ۲۲۵۳۵۳ نفر به ترتیب روستایی و شهری ۱۰۸۴۹۷۴ و ۱۰۶۵۰۳۴ بوده و ترکیب اشتغال به ترتیب کشاورزی، صنعت و خدمات ۲۸ و ۲۴/۸ و ۴۷/۲ درصد می باشد.

مردم شهرستان چابهار به لهجه بلوچی تکلم می کنند و لهجه های فارسی و محلی نیز رایج است. در این شهرستان ۹۹/۶۵ درصد جمعیت آن را مسلمانان (شیعه و سنی) تشکیل می دهند. (برآورد اطلاعاتی نداجا، ۳)

شهرستان چابهار از لحاظ امکانات بهداشتی و درمانی در سال ۱۳۷۵ دارای یک بیمارستان با عنوان امام علی (ع) و ظرفیت پذیرش و بستری یکصد بیمار بوده، که در سال ۱۳۸۲ این تعداد به ۱۳۰ تخت افزایش داده شده است.

همچنین در سال ۱۳۷۵ تعداد مراکز بهداشتی شهری و روستائی ۵ و ۸ مرکز بوده که این رقم در سال ۱۳۸۲ به ترتیب به ۱۱ و ۱۳ مرکز افزایش یافته است. نسبت برخورداری جمعیت به پزشک در سال ۱۳۷۵ به ازای هر هزار نفر ۲۷/۴ درصد بوده، که این نسبت در سال ۱۳۸۲ به ۲۷ درصد پزشک رسیده است. (برآورد اطلاعاتی نداجا، ۳)

۵. ویژگی های کلی منطقه

توسعه پایدار در اثر تعامل و تأثیرات متقابل عناصر مختلف بوجود آمده و به نتیجه می رسد. عواملی مانند اقتصادی، سیاسی، نظامی و دفاعی و ژئوپلیتیکی در تعامل و تأثیرات متقابل با عوامل اجتماعی و فرهنگی توسعه پایدار را تحت تاثیر قرار می دهند. به همین جهت کلیه عناصر مرتبط و موثر در توسعه پایدار برشماری شده و در ارائه راهبردها تنها به عوامل مؤثر در حوزه اجتماعی و فرهنگی توجه خواهد شد.

– اتصال به دریای آزاد و اقیانوس هند (حوزه ژئوپلیتیک دریای عمان و اقیانوس هند)

– نزدیکی به مراکز تولید و مصرف انرژی

– داشتن سواحل مناسب برای دفاع

– دارا بودن شرایط مناسب برای پیوند قدرت بری و بحری

– دارا بودن شرایط لازم برای اختفاء زیر دریایی های بزرگ

– دارا بودن موقعیت لازم برای توسعه استراتژی های دریایی

– داشتن منابع دریایی سطحی و زیر سطحی

– داشتن امکان توسعه بنادر و اسکله های بزرگ

– کمتر بودن آلودگی های زیست محیطی نسبت به خلیج فارس

– داشتن امکان پیوند دو قطب انرژی در شمال و جنوب

۱.۵. نقاط قوت و قابلیت های منطقه

– وجود منطقه آزاد تجاری اقتصادی چابهار در منطقه

– وجود گروه های قومی و مذهبی در منطقه

– وجود مناطق دریایی ارتش و پایگاه های دریایی سپاه در منطقه

– زمین و پس کرانه های مناسب در امتداد سواحل

– وجود سواحل مناسب در منطقه مورد مطالعه

– وجود شرایط لازم برای ترانزیت و ترانشیپ کالا

– شرایط لازم برای گسترش یگان های نظامی در منطقه

– وجود خورها (خلیج های کوچک) در منطقه

- آبهای آزاد و عمق عملیاتی مناسب در دریای عمان
- هماهنگی نیروهای نظامی و انتظامی در منطقه
- قابل استفاده بودن، چند منظوره اسکله‌های صیادی، تجاری و نظامی در منطقه
- وجود سواحل با قابلیت‌های دفاعی مناسب
- وجود اسکله‌های صیادی در امتداد سواحل
- وجود زمینه‌ی همگرایی سران طوایف و قبایل با نظام ج.ا.ا.
- انطباق منطقه بندی نظامی با تقسیمات سیاسی کشور
- وجود پایگاه‌های هوایی و پدافند هوایی ارتش در منطقه (لورنس ۱۳۷۵).

۲.۵. نقاط ضعف و آسیب پذیری های منطقه

- شرایط اقلیمی منطقه و کمبود آب شرب و حرارت و رطوبت زیاد: کمبود آب شرب و کشاورزی در بخش‌هایی از منطقه و نیز قطع برق و نوسانات آن موجب نگرانی اهالی این مناطق گردیده است.

شرایط سخت منطقه که دارای طبیعت خشک، کویری، مناطق کوهستانی، کوه‌های صعب العبور و بعضاً غیر قابل عبور با شرایط بسیار سخت است که یک روز ماندن در این منطقه برای فرد غیر بومی مشکلات بسیاری را در بر دارد. این منطقه جزء یکی از مناطق کم آب کشور است و حتی جهان است و مشکل کمبود آب تأثیر بسزایی در سایر مسائل منطقه دارد.

- دوری منطقه نسبت به مرکز کشور: عواملی همچون انزوای جغرافیایی و دوری مراکز جمعیتی تا مرکز استان و کشور و فاصله زیاد مراکز شهری، ضعف ارتباطات اقتصادی و فرهنگی و مهم تر از همه مهاجرت‌های بی رویه به شهرهای فاقد امکانات باعث شدن آهنگ توسعه اجتماعی و تضعیف فرهنگ شهر نشینی در شهرهای آن شده است و به جرأت می‌توان گفت که نقش مهاجرت‌های بی رویه از سایر عوامل بارزتر است. همچنین امنیت منطقه از دیرباز تحت تأثیر شرایط سیاسی نظام حاکم بر کشور بوده است و تقریباً در این منطقه بروز ناامنی‌ها همیشگی بوده است و در مسائل امنیتی منطقه، دوری از پایتخت و ضعف مدیریت سیاسی و همچنین مخدوش شدن اقتدار و ابهت دولت مرکزی و ارگان‌های نظامی - انتظامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در دوره‌های گذشته ایجاد امنیت در منطقه به اقتدار و ابهت دولت مرکزی مرتبط بوده است و هرگاه این اقتدار چه به شکل نظامی و چه به شکل سیاسی آن آسیب دیده است، شرایط برای بروز نا امنیها فراهم شده است.

- فرهنگ عشیره‌ای و قومی در منطقه: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت جمهوری اسلامی، به دلیل خواستگاه انقلاب و مبارزه با ظلم و ستم دیرینه خوانین و اشرار منطقه، قدرت سیاسی، اجتماعی خود را در معرض خطر دیدند و آن ابهت گذشته خود را از دست دادند. از اینرو برای حفظ منافع خود با اتکاء بر قدرت سیاسی و پایگاه اجتماعی و طایفه‌ای و قبیله‌ای گذشته، اقدام به همکاری با اشرار و تحریک مردم و ایجاد ناامنی در منطقه نموده و گروهی از این خوانین که عمدتاً اهداف اقتصادی را دنبال می‌کردند با اجیر کردن اشرار به قاچاق مواد مخدر پرداختند که آن نیز یکی از مهمترین عوامل ناامنی‌ها در چند ساله اخیر بوده است.

- وجود سلاح‌های غیر مجاز در منطقه

- ترانزیت مواد مخدر از کشورهای همجوار به منطقه: مواد مخدر که عمدتاً حشیش بوده از سیستان و بلوچستان و بندر چابهار و بنادر تابعه و از طریق شناورهای تندرو و صیادی وارد منطقه شده و در سواحل جاسک و سیریک میناب و بندرعباس و یا اینکه از طریق دریا به استان‌های بوشهر و خوزستان به کشورهای حوزه خلیج فارس منتقل می‌گردد. پدیده مواد مخدر به صورت مستقیم، ۳۵٪ از جرائم استان را به خود اختصاص داده است. قابل ذکر است که در فقه و فرهنگ اهل سنت خرید و فروش مواد مخدر مباح است و علمای اهل سنت زکات آنرا نیز دریافت می‌کنند. این درآمد سرشار مولوی‌ها که به دریافت زکات از ناحیه قاچاق و کشت مواد مخدر در واقع نوعی مشروعیت به این تجارت داده است، ۶۷٪ از کل شرارت‌ها و ناامنی‌های منطقه در ارتباط با خرید، فروش، ترانزیت و توزیع مواد مخدر به خود اختصاص داده است.

- وجود مبادی قاچاق در منطقه: استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان با بیش از ۱۸۰۰ کیلومتر مرز آبی و همجواری با استان‌های کرمان، فارس و بوشهر به لحاظ وضعیت خاص جغرافیایی و شیوه بافت سنتی حاکم بر آن و به دلیل عدم وجود زمینه کارهای اجتماعی برای اشتغال مردم و شرایط بد آب و هوایی و نبودن امکانات کشاورزی و دامداری و همچنین وابستگی قومی و مذهبی با برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس از دیرباز محل مناسبی برای ورود و خروج کالاهای قاچاق بوده و می‌توان گفت قاچاق کالا ریشه در آداب و سنن صدها ساله اکثر مردم استان دارد.

عمده کالاهایی که به صورت قاچاق وارد می‌شود عبارتند از: پارچه، لوازم آرایشی و بهداشتی، رسیور و قطعات ماهواره‌ای، مشروبات الکلی، آلات قمار، تلفن همراه، پوشاک، کفش، اسباب‌بازی و غیره می‌باشد. عمده کالاهای قاچاق که از کشور خارج می‌شود شامل سوخت، احشام و انسان می‌باشد.

(پور احمدی ۱۳۸۴)

- فقر فرهنگی مردم در منطقه: فقر فرهنگی حاکم بر منطقه و وضعیت خاص جغرافیایی بستر مناسب و مساعدی برای ایجاد زمینه‌های شرارت و ناامنی می‌باشد.

بیش از هفتاد درصد مردم منطقه، اهل سنت اند و این رقم روز به روز افزایش می یابد و تعداد شیعیان هم روز به روز در حال کاهش است. اکثر جمعیت شهرهای عمده منطقه، اهل سنت اند و بعد از انقلاب در اهل سنت، گرایش به مذهب بیشتر شده و یا دست کم ظهور بیشتری یافته و وفاداری به مذهب بیشتر شده است و به همین سبب، مولویها نفوذ زیادی در بین مردم پیدا کرده اند و توانسته اند جای آنها را بگیرند.

- عدم وجود جاده‌های ساحلی در امتداد سواحل

- عدم وجود و یا کمبود نیروهای بسیجی سازماندهی شده و پایگاه‌های مقاومت

- عدم وجود اسکله‌های تجاری در امتداد سواحل

- عدم وجود اسکله‌های صنعتی در امتداد سواحل

- توزیع نامناسب امکانات کشور و زیر ساخت‌های اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی

- عدم وجود اشتغال پایدار: عامل دیگری که به عنوان ضعف منطقه می توان بیان کرد، فقر اقتصادی است. طبق آمار غیر رسمی موجود (که به علت عدم همکاری مردم با آمار گیران چندان قابل اتکا نیست) و طبق سرشماری های سال های گذشته از هر صد نفر مرد فعال ۱۶ نفر بیکار بودند که در سالهای اخیر تا حدودی روند بیکاری کنترل شده است. این امر باعث شده جوانان منطقه به راحتی برای امرار معاش به استخدام افراد شرور و قاچاقچی در آیند.

- پایین بودن سطح رفاه عمومی مردم منطقه

- عدم سازماندهی مناسب برای صید صنعتی

- اجرایی نشدن طرح جامع مدیریت متأثر از سند چشم انداز ۲۰ ساله جهت توسعه همه جانبه: یکی دیگر از عوامل ناشی از مسائل سیاسی - اقتصادی تأثیر گذار بر مسائل منطقه، عدم وجود استراتژی و یا عدم پیگیری استراتژیهای تبیین شده توسط مدیران است و طبیعی است که هر کسی در این منطقه به طور دلخواه و بر طبق سلیقه خود عمل می کند. وقتیکه استراتژی نباشد، و امور بر طبق سلايق اداره شوند دیر یا زود با بروز کوچکترین ضعف، زمینه برای نا امنی و هرج و مرج فراهم می شود. بخصوص که عواملی مثل دوری استان از مرکز کشور و واگرایی های قومی و مذهبی خود عامل مهمی در تشدید هر بحران و نا امنی هستند.

- نامناسب بودن ساختارهای ارتباط رسانه ای در منطقه

- عدم وجود نخبگان شاخص در منطقه

- عدم استفاده از زمینه‌های لازم برای ایجاد مراکز خدماتی در سواحل

- عدم استفاده از ظرفیت‌ها و جاذبه‌های گردشگری در منطقه

- عدم وجود تجهیزات مناسب دریایی نظامی برای منطقه

- پایین بودن قابلیت کشت و زرع در منطقه: این منطقه دارای اقلیمی بسیار خشک و بری است، همچنین ذخیره آبهای زیر زمینی بسیار ناچیز و بعضاً شور است، لذا بخش کشاورزی بسیار کم رونق و اشتغال زایی آن بسیار پایین است. بخش صنعت و خدمات نیز نوپا و ضعیف است. و بسیاری از اهل سنت و طوایف منطقه به قاچاق کالا و حتی قاچاق مواد مخدر به چشم یک فعالیت حلال و مباح می نگرند. با توجه به سود شرشار قاچاق مواد مخدر خیل عظیم جوانان بیکار به راحتی توسط باندهای قاچاق مواد مخدر جذب و بعضاً مسلح شده و به نا امنی و خشونت دست می زنند.

- عدم توجه به تأسیس مراکز آموزش عالی دریانوردی (که امکان پذیرش دانشجوی خارجی داشته باشد)

- عدم استفاده از تجارب لازم برای جنگ در دریا

- عدم استفاده از عوامل بومی در مدیریت منطقه: عدم استفاده از نیروهای بومی و بی انگیزه بودن اکثریت کادر اداری غیر بومی در این منطقه یکی دیگر از عوامل مؤثر در مسائل منطقه می باشد، با توجه به غیر بومی بودن کادر اداری، اکثر افرادی که در ادارات منطقه مشغول می شوند، بدون انگیزه به آنجا می روند و یا نیروهای تبعیدی و ضعیف ادارات هستند به گفته مدیران محلی در آنجا یک سازمان اداری و مدیریت قوی و قدرتمند وجود ندارد، مگر افرادی که با احساس تکلیف به آنجا رفته اند. کم آبی و مشکلات طاقت فرسای این منطقه باعث می شود که کسی به آنجا نرود. به همین جهت مشکل اداری موجود در منطقه به مسائل نا امنی دامن می زند و بطور غیر مستقیم تأثیر گذار می باشد. همچنین ضعف مدیریتی ناشی از بی کفایتی مدیران در زمان های مختلف عامل دیگری در بروز نا آرامی و کشمکش های قومی و طایفه ای در منطقه محسوب می گردد.

- عدم بهره برداری از حضور و سیادت دریایی در منطقه

- پایین بودن نرخ با سوادی در منطقه: بر اساس آمار ارائه شده بیشترین میزان بی سوادی کشور در این منطقه است. حدود نیمی از جمعیت منطقه با توجه به جمعیت جوان منطقه بی سواد هستند. کار فرهنگی در اینجا نشده و اگر هم شده بسیار کم است و مردم به طور سنتی با فرهنگ قوی قبیله ای که بر آن ها حاکم است، زندگی می نمایند. مثلاً علاقه سنتی مردم به سلاح است. اصلاً بین مردم شرور بودن و قاچاقچی شدن یک ضد ارزش محسوب نمی شود.

- عدم وجود شبکه‌های ارتباطی مناسب (هوایی، زمینی، ریلی) در منطقه

- وجود گنبد‌های نمکی و زمین های شوره زار در برخی مناطق
 - سهم نامناسب اعتبارات و بودجه دفاعی در منطقه : بودجه عمرانی منطقه بسیار کم است، مردم این منطقه یکی از فقیرترین مردم کشور هستند. ما خود شاهد بودیم که بهداشت در سطح پایینی قرار دارد. مرگ و میر بالاست، آب آشامیدنی تقریباً در اکثر مناطق مطلوب نیست و در بعضی از مناطق در زمستان آب را در جایی انبار و بعد در طول سال، مردم از آن استفاده می کنند و حیوانات هم از همان آب استفاده می نمایند.
 - وجود نیروی کار ارزان و سهل‌الوصول خارجی در منطقه
 - تراکم نامناسب جمعیت در منطقه : جمعیت منطقه با نرخ رشد متوسط سالیانه ۳/۷ درصد ، یکی از مناطق جمعیتی با رشد بالاست که تراکم نسبی جمعیتی بر اساس سرشماری ها حدود ۱۲ نفر در هر کیلومتر مربع بوده است. از اینرو این منطقه در زمره کم تراکم ترین مناطق کشور قرار دارد.

- سواحل طولانی استان سیستان و بلوچستان
 در مجموع نقاط ضعف و آسیب پذیری های فوق شرایطی را ایجاد کرده است که موجب افزایش ناامنی ها در این منطقه شده است و روحیه قانون ستیزی و عقب ماندگی جزء لاینفک زندگی برخی مردم منطقه شده است. (پور احمدی ۱۳۸۴)

۶. نتیجه گیری و رهیافت

با بهره گیری از نقاط قوت، ضعف، آسیب پذیری ها و تهدیدات موجود در منطقه و با استفاده از تکنیک های تدوین راهبرد مانند SWOT و TOPSIS راهبردهای مناسب برای ایجاد، گسترش و ثبات توسعه پایدار ارائه گردید و با توجه به عدم وجود فرضیه در این تحقیق و مطرح بودن سؤالاتی که روشن گر مسیر حرکت و راهنمای محققین در چگونگی انجام تحقیق بودند، هدف و نتیجه ی این تحقیق، پاسخ به سؤالات مورد نظر با دقت زیاد که آزمون های ریاضی آن ها را تأیید نمایند تعیین گردید.

۱.۶. راهبردهای بدست آمده به ترتیب مطلوبیت

(۱) ایجاد بستر لازم جهت جذب سرمایه های داخلی و خارجی برای توسعه ی همه جانبه ی سواحل منطقه (آب و برق، راه ، مخابرات ، بهداشت، آموزش و...) به منظور استفاده از کلیه ی ظرفیت های بالقوه و بالفعل منطقه در راستای توسعه صنایع مختلف ، ایجاد اشتغال پایدارو بالا بردن درصد اشتغال جمعیتی و نهایتاً جلوگیری از ارتکاب به بزه.
 (۲) ایجاد و تعمیق همبستگی های ملی، قومی و مذهبی در منطقه از طریق اعمال توجه ویژه ملی به این منطقه و استفاده از عوامل بومی و مذهبی در ساختار اداری و دفاعی منطقه ضمن توسعه و پوشش فراگیر رسانه های جمعی ملی و محلی و تبلیغات و اطلاع رسانی لازم در این خصوص.
 (۳) اعتماد سازی در حوزه ی سیاسی با کشورهای منطقه و استفاده از ظرفیت های فرهنگی مردم منطقه در این خصوص و برقراری ارتباط آموزشی (دریایی) با آن ها .

۷. پیشنهادات :

پیشنهادهای این تحقیق با توجه به طیف مخاطبین آن به سه دسته تقسیم می گردند:

۱.۷. پیشنهاد به مسئولین نظام

- (۱) بازنگری در تدوین قوانین و مقررات تشویقی ، توسعه ای و... در سطح منطقه.
- (۲) ثبات مدیریت ها در منطقه ی مورد مطالعه خصوصاً مناطق آزاد و حساس.
- (۳) ثبات برنامه ها و طرح های عمرانی و توسعه ای بر اساس سند چشم انداز بیست ساله ی کشور.
- (۴) توجه ، تقویت و تخصیص اعتبارات ویژه ی توسعه به منطقه و نظارت بر اجرا و تحقق آن.
- (۵) بازنگری در تقسیمات کشوری به منظور استفاده از حداکثر توان استان های همجوار.
- (۶) بازنگری در استقرار و گسترش صنایع و خدمات در منطقه.
- (۷) تهیه طرح آمایش سواحل دریای عمان.
- (۸) توسعه ی زیر ساخت ها در منطقه شامل آب، برق، گاز، تلفن، راه، درما ، آموزش، مسکن و...

۱.۷. پیشنهاد به مسئولین محلی

- (۱) تعیین اولویتهای توسعه و تعمیق و گسترش آن در سطوح مختلف.
- (۲) ایجاد طرح و برنامه برای استفاده از کلیه ی ظرفیت های فرهنگی ، اجتماعی ، سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و زیست محیطی در جهت توسعه ی پایدار.
- (۳) افزایش ارتباط سیستمی و نظام مند با مرکزیت کشور به صورت دو طرفه و مستمر.

- (۴) استفاده از ظرفیت های سرمایه گذاری داخلی و خارجی .
- (۵) رفع مظاهر آشکار و برجسته ی فقر و عقب ماندگی منطقه در ابعاد آموزشی ، بهداشتی ، درمان و...
- (۶) ایجاد روحیه ی خود باوری ملی و امید به آینده ای درخشان در بین مردم.
- (۷) الگوگیری از مدیریت های موفق در سایر مناطق مشابه داخلی و خارجی.
- (۸) کادر سازی و توجه به بومی گرایی در کلیه ی بخش های صنعتی ، خدماتی ، مدیریتی و...
- (۹) کاهش هزینه های جاری مردم منطقه به منظور افزایش رفاه عمومی.
- (۱۰) توسعه ی اشتغال پایدار.
- (۱۱) افزایش حس هم گرایی در سطح منطقه باتأکید بر مولفه های مذهب ، اقوام و...

منابع:

۱. اسدی . بیژن ، مشکل اصلی امریکا و نظم نوین جهانی ، مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس ، مرکز مطالعات خلیج فارس ، تهران : ۱۳۷۵
۲. بیللیس . جان ، کن ، بوث ، "استراتژی معاصر" ، ترجمه هوشمند میر فخرایی ، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه ، تهران ۱۳۷۳ .
۳. پور احمدی . حسین ، " اقتصاد سیاسی جهانی و ساختار نوین امنیت در خلیج فارس " ، فصلنامه راهبرد دفاعی ، ۳۰ آذر ۱۳۸۴ .
۴. پاتر . لورنس جی ، "اقدامات اعتماد سازی در خلیج فارس " ، مجموعه مقالات ششمین سمینار خلیج فارس ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، تهران ، ۱۳۷۵.
۵. تودارو . مایکل؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم، نشر انتشارات سیاسی تهران، تهران ۱۳۶۴.
۶. درویشی . فرهاد ، "تأملی نظری بر امنیت ملی " ، معاونت تحقیق و پژوهش دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، تهران ، ۱۳۷۶ .
۷. دژپسند . فرهاد ، "امنیت و توسعه پایدار " ، فصلنامه مطالعاتی دفاعی و امنیتی ، دانشکده فرماندهی و ستاد ، سال هفتم ، شماره ۲۶ ، بهار ۱۳۸۰.
۸. شعبانپور . موسی ، نقش نیروهای مسلح در توسعه پایدار ملی ، فصلنامه سیاسی - اجتماعی اقتدار ، سال اول ، شماره دوم، اداره عقیدتی سیاسی نهجا: پائیز ۱۳۸۶ .
۹. گوردن . کریستوفر و ماندی . سایمون ، "دیدگاههای اروپایی سیاست فرهنگی "، ترجمه هادی غبرائی، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی با همکاری مرکز بین المللی گفتگوی تمدن‌ها: ۲۰۰۹.
۱۰. لوکس . استیون ، "فر انسانی یا شیطانی" ، ترجمه فرهنگ رجایی ، تهران : مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، ۱۳۷۰ .
۱۱. ملاحظیات جمعیت استان س و ب ، ۲۱.
۱۲. منطقه سوم دریایی نداجا ، "بررسی منطقه عملیاتی چابهار" ، ۱۳۸۷
۱۳. <http://www.hums.ac.ir/hormozgan/index.html> سایت استان داری هرمزگان.